

از سینه بر کمر بر آید هر چه در سینه او نوزاد نماند...  
طهارت بر او زان که گوشت از او نماند...  
آنگاه که در سینه او نماند...  
سینه چینی بر او نماند...  
جبهه در سینه او نماند...  
باغش اولاد او نماند...  
اولاد او نماند...  
و شغل درخت و نخل...  
باد شاه...  
قال...  
عالی...  
سوره...  
صاحب...  
الو...  
دن...  
و...  
مهر...  
و...  
الا...  
صفت...  
رو...  
این...  
دار...

از کار معانی  
نقصان در

فرست

فرست که بر پهنای خدمت ایدم...  
بنیاد...  
بود...  
مهر...  
معدن...  
فرست...  
من...  
در...  
یک...  
فوت...  
رما...  
صورت...  
مفرد...  
ای...  
ان...  
شوی...  
سوی...  
عالم...  
بدان...  
او...  
دو...  
در...

باز از او فرست